

آیاد گذشت آقای هاشمی انتخابات را برای اصلاح طلبان و روحانی سخت کرد؟

معتقدم نوع رفتار جامعه نسبت به درگذشت آقای هاشمی نشان می دهد که جامعه طرفدار حرکت های عقلانی، معتدل آرام و به دور از افراطی گری است. ارتحال آقای هاشمی فضای مثبت معنوی برای حمایت از آقای روحانی ایجاد کرده و به نظرم روحانی از آن متضرر نمی شود. اگر واقعیت تشییع جنازه آقای هاشمی را ببینید، نشان می دهد که جامعه به سمت تعادل حرکت می کند؛ از این حرکت در فضای مجازی (اینستاگرام) به عنوان مشوق مدارا نام بردم، یعنی تشییع جنازه تمرین مدارا در جامعه ما برای هر دو طرف بود. طیف های سیاسی آمده بودند؛ هر دو طرف هم شعار دادند؛ اما کسی دعوا نکرد. این نشان می دهد جامعه به سمت عقلانیت اصلاح طلبانه

پیش می رود و هر روز این عقلانیت در حال گسترش است. این را ما نقطه مثبتی می دانیم که در جامعه اتفاق افتاده است. ضرورتاً دلیل نیست فعالیت های ما موفق بوده است؛ اما مجموعه جامعه به سمت مسیری که ما پیگیر آن بودیم افتاده است که این برای ما امری مبارک است.



داشته باشد، اصلاح طلبی معتقد به تغییر تدریجی است و یکی از اهداف آن باید کنترل گرایش های رادیکال جامعه باشد. به عبارتی خطر افراطی گری فقط از ناحیه بخش هایی از حاکمیت نیست، اگر بدنه جامعه ای هم افراطی شود، آن جامعه به هم می ریزد. مسأله مهمی که ما اصلاح طلبان بر آن تکیه داریم، این است که جامعه به هم نریزد. بر این اساس حتماً توجه مان به جامعه مدنی بیشتر شده و معتقدیم باید از این طریق جلورفت. اما این مسأله نیازمند لوازمی است که اکنون در اختیار نداریم. فضای باز سیاسی که گروه های مدنی همفکر و همسو بتوانند با هم تشکل داشته باشند، تشکل یابی در جامعه ما با مشکل اجتماعی و سیاسی - امنیتی مواجه است بنابراین باید از این مسیر هم تأثیر گذاری در قدرت را ادامه دهیم تا بتوانیم فشار را برای جامعه مدنی هم فراهم کنیم. در واقع یک حرکت دوسویه است.

این موضوع را زیاد شنیدیم که اصلاح طلبان در تلاش برای مرتفع کردن سوء برداشت های حاکمیت نسبت به این جریان هستند. شما هم اشاره کردید که نیت خوانی درست نشده، چقدر در این زمینه موفق بوده اید؟ باز خور در ویکر گفت و گو و مذاکره که از سوی اصلاح طلبان با جریان رقیب و حاکمیت آغاز شد، چه بود؟ آیا استقبال شده و مجبور شدند بپذیرند جریان ریشه دار اصلاح طلبی قابل حذف نیست؟

اینکه امروز شاهد آزادی بیشتر در روزنامه ها هستیم؛ فعالیت احزاب بهتر از گذشته است؛ روزنامه به سختی بسته می شود؛ فضای مجازی به شکلی گسترده تأثیر گذاری دارد، نشان می دهد که طرف مقابل ما هم روش عقلانیت را در پیش می گیرد و همپای ما جلو می آید. حالا شما می خواهید اسم آن را اجبار بگذارید؟ من کاری به عنوان آن ندارم. بحث من این است که این اتفاق افتاده و به نفع حرکت اصلاح طلبانه است. ما هر طرفی که از افراطی گری کوتاه بیاید، آن را به نفع حرکت اصلاح طلبی دانسته و از آن استقبال می کنیم. فکر هم می کنیم که طرف مقابل هم به این نتیجه رسیده که اصلاح طلبی قابل حذف نیست.

با این اوصاف فکری کنید مطالبات اصلاح طلبان از طرف آقای روحانی محقق شده است؟

حتماً این اتفاق افتاده است. ما خواهان روش های تدریجی قانونی هستیم؛ ما خواهان حرکت های انقلابی فوری نیستیم؛ بنابراین همین حرکت آغاز شده از سوی آقای روحانی منطقی، معتدل و روبه جلو است. اگر چه با آرمان های درجه ۱۰۰ که ما می خواهیم تعریف کنیم، فاصله دارد؛ اما به نظر من همین حرکت آغاز شده و گام های برداشته شده مثبت است. این همان مسیر اصلاح طلبانه ای است که ما تعریف می کنیم.

منتقدان دولت این روزها عملکرد دولت روحانی را مورد حمله قرار داده اند. اگر به جای رویکرد ایجابی بخواهیم از منظر سلبی نگاه کنیم، می توانیم از شما بپرسیم که اگر دولتی مثل دولت یازدهم سال ۹۲ روی کار نمی آمد، پیش بینی شما از اوضاع کشور چه بود؟

من از خود شما شروع می کنم، اگر دولتی مثل دولت آقای روحانی بر سر کار نیامده بود، الان آقای رامین معاون مطبوعاتی بود. در فضای سیاسی اگر دولتی غیر از آقای روحانی سرکار بود، چند حزبی که اخیراً در وزارت کشور موفق به دریافت مجوز شدند، مجوزی برایشان صادر نمی شد، به هر حال حزب اتحاد ملت ایران یک حزب اصلاح طلب با افراد شناخته شده است که در این دولت مجوز گرفته است. همچنین گشایشی که برای رفت و آمد خانواده محصوران با آنها اتفاق افتاده است، در حوزه سیاست قدرت است. اگر آقای روحانی نبود ما الان در مرز افغانستان در صف خرید مواد غذایی بودیم، مانند ونزوئلا؛ ها که در مرزها در انتظار خرید مواد غذایی از کشورهای همسایه و گواتمالا هستند.

آقای رمضان زاده شما بدبین هستید یا منتقدان دولت آنچه شما بدیهی می خوانید را نمی بینند؟

به نظرم بدتر از این می شد؛ چون ونزوئلا همانند ایران با تحریم جهانی هم مواجه نیست و سیاست های غلط این کشور را به این وضعیت رسانده است. در ایران افزون بر آنکه سیاست های غلط اقتصادی را شاهد بودیم، تحریم هم به آن اضافه شد. اگر دولت آقای روحانی نبود؛ اکنون ما (ایران) با سیاست نفت در برابر غذا و دارو رسیده بودیم. نرخ تورمی که صبح از خواب بیدار می شدیم و بایک افزایش نرخ جدید مواجه بودیم، اکنون به زیر ۱۰ درصد رسیده است. اگر گزارش آقای نیلی (مشاور رئیس جمهوری) را قبول کنیم، در تمام هشت سال دولت آقای احمدی نژاد یک شغل جدید ایجاد نشده است؛ یعنی میزان شغل جدید و قدیم یکی بوده است. این مساوی با صفر است. در بخش نفت، اشتغال و دارو تصور کنیم اگر آقای روحانی نبود، چه اتفاقی می افتاد؟ در آن دوره

و نه نفع ملی - بردند، الان بایرجام مخالفت می کنند. این بدان معنا نیست که ما به آقای روحانی نقدی نداریم؛ اما مجموعه دستاوردهای دولت آقای روحانی در سه سال تنها خاصیت آن اگر این بوده که جلوی سیل ویرانگری که داشت کشور را می برد، گرفته است، همین برای دفاع از آقای روحانی کفایت می کند. تصویب برجام در مجلس نهم که به مخالفت با دولت شهره بود، ۲۰ دقیقه طول کشید؛ این ناشی از تصمیمی بود که در کلیت نظام گرفته شده بود. همین امر برای تغییر نظر مخالفان کافی است.

در مورد گزینه وریکر برد - برد که آقای روحانی در بحث هسته ای بر آن تأکید دارند، فکری کنید در سایر حوزه ها از جمله مشکلات منطقه ای هم می توان از آن بهره برد؟

یکی از نقدهای بنده به دولت آقای روحانی این است که سیاست منطقه ای - خارجی ندارد. تخصص آقای ظریف در سیاست های بین المللی است و سیاست منطقه ای مغفول مانده و باید اهمیت بیشتری برای آن قائل می شد. این روزها متوجه شدم که توجه بیشتری به مسائل منطقه ای می شود که این امر مثبت و نتیجه بخش خواهد بود. این تقلیل گرایی شخص آقای ظریف بود که تصور می کرد با حل موضوع برجام، تمام مسائل منطقه ای هم حل خواهد شد، چون ایشان شناخت کمی از سیاست منطقه ای داشت. معاون امور منطقه ای هم فرد هماهنگ با دولت نبود و دیر به فکر تعویض وی افتاد.

فکر نمی کنید عمق مشکلات منطقه ای مانع از هم نشینی طرفین تا امروز بوده است؟

یک واقعیتی که باید بپذیریم این است که ما در منطقه نه قدرت حذف عربستان را داریم و نه عربستان قدرت حذف ایران را دارد. اگر این را بپذیریم، می توانیم در مورد راه حل های همکاری مذاکره کنیم. مشکلی که در عربستان رخ داد این بود که یک عده جوان بی تجربه بر سر کار آمدند و فکر کردند با پول هر کاری بخواهند می توانند انجام دهند و امکان حذف ایران از منطقه را دارند. مشابه اتفاقی که در ایران افتاد و احمدی نژاد فکر کرد با پول می تواند بان کی مون را بخرد و خرج سازمان ملل را بدهد؛ این اتفاق نخواهد افتاد.

با این اختلافات ریشه ای امکان همکاری وجود دارد؟

برای پاسخ فرانسه و آلمان مثال خوبی است. با وجود کشتار عظیمی که طرفین در جنگ جهانی اول و دوم علیه هم داشتند، اما به این نتیجه رسیدند که هیچ یک قدرت حذف دیگری را ندارند و اکنون در حال همکاری با هم هستند. ما (ایران) هم باید با عربستان به این جمع بندی و نتیجه برسیم که هیچ کدام قدرت حذف دیگری را ندارند و راه نجات در همکاری با هم است. نمونه همکاری ایران و عربستان را در نشست اوپک شاهد بودیم که با همکاری متافع طرفین قابل تأمین است؛ این همان برد - برد است. من نشانه های مثبتی می بینم و فکر می کنم حرکت روبه جلویی داریم. پیش از انقلاب هر دو رژیم ایران و عربستان وابسته به آمریکا بودند،

با کمبود داروهای حیاتی مواجه بودیم، بیماران با تزریق داروهای چینی از بین می رفتند. همه این مشکلات با نتیجه یک اتفاق یعنی رأی مردم در سال ۹۲ به آقای روحانی کم رنگ شد. باز هم مثال بزنم؟

پس این مخالف خوانی هایی که بویژه در حوزه سیاست خارجی و برجام در مورد دولت آقای روحانی شاهد هستیم، ناشی از چیست؟ آیا دعوای سیاسی معمول است یا واقعا باورشان این است که برجام دستاوردی نداشته است؟

یک مثال برای شما می زنم؛ در آمد نفت ما در هشت سال دولت آقای احمدی نژاد بین ۷۵۰ میلیارد تا ۸۰۰ میلیارد دلار بوده است؛ ما برنامه چهارم سند چشم انداز توسعه در کشور داشتیم که بر اساس آن قرار بوده سالانه ۱۵ میلیارد دلار در آمد نفت مصرف شود تا به نرخ رشد اقتصادی ۷ تا ۸ درصدی برسیم. مجموع این رقم در مقطع هشت ساله ۱۲۰ میلیارد دلار می شود و معنای نرخ رشد اقتصادی این است که سالانه ۷۰۰ هزار تا یک میلیون شغل ایجاد شود. در هشت سال دولت قبیل ۶ برابر درآمد تعیین شده مصرف شده و اشتغالی هم ایجاد نشده است. سؤال ما این است که این پول کجا رفته است؟ اگر راست می گویند و معتقدند که ما بدبین هستیم، فقط پاسخ همین سؤال را بدهند که این پول کجاست؟ نه به رشد اقتصادی دست یافتیم، نه اشتغالی ایجاد شده و نه وضع معیشت مردم بهتر شد. واقع بینی که با دروغ و زبیر با گذاشتن اخلاق و معنا و فایده ای ندارد. بنده برجام را صراحتاً به طور کامل نتیجه عقلانیت حاکمیت می دانم و افتخار برجام را نصیب رهبری می دانم. رهبری مذاکراتی که به برجام منتهی شد را قبل از روی کار آمدن دولت آقای روحانی و با سفر و مذاکره آقای ولایتی به عمان آغاز کردند. اما دولت آقای روحانی توانایی مذاکره قوی داشت. مذاکره کنندگان خوبی داشت که توانستند اهداف رهبری را به نتیجه برسانند. بنابراین کسانی که در دولت آقای احمدی نژاد با مصرف ۸۰۰ میلیارد دلار در آمد نفت، نفع شخصی و گروهی -

مجموعه دستاوردهای دولت آقای روحانی در سه سال تنها خاصیت آن اگر این بوده که جلوی سیل ویرانگری که داشت کشور را می برد، گرفته است، همین برای دفاع از آقای روحانی کفایت می کند